

## مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از تجارت تسلیحات با گروه‌های شورشی و شبه نظامی

محمد فتاحی الکوئی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

لیلا رئیسی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

مسعود راعی<sup>۳</sup>

چکیده

در قرن بیستم با تشکیل گروه‌های انسانی تحت عنوان گروه‌های شورشی و شبه نظامی این گروه‌ها از یکسو به بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل ملتزم شده‌اند و از سوی دیگر با توجه به افزایش روند تشکیل این گروه‌ها در عرصه جهانی ضرورت توجه به جایگاه بازیگران غیردولتی تحت عنوان شورشیان و شبه نظامیان جلب توجه می‌کند. در شرایط کنونی بین‌المللی که بسیاری از دولت‌ها در پی اهداف خود و محدودیت در مداخله مستقیم اقدام به حمایت از این گروه‌ها می‌کنند و این موضوع بر تاثیرگذاری آنها در معادلات جهانی افزوده است. جلوگیری از دستیابی گروه‌های سازمان یافته مجرمانه و شبه نظامی به سلاح به میزانی قابل توجهی از توانایی آنها در ارتکاب جرایم بین‌المللی می‌کاهد و خود نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرایم سازمان یافته و تروریستی محسوب می‌شود. معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳ بعنوان جامع‌ترین سند مربوط به تجارت تسلیحات می‌باشد که ضابطه مند نمودن تجارت تسلیحات متعارف و نقش و مسئولیت دولت‌ها را هدف اصلی خود قرار داده است این معاهده، به منظور کنترل تجارت تسلیحات، برای جلوگیری از انحراف آنها به سمت بازارهای غیرقانونی و ارتکاب جرایم بین‌المللی، تعهداتی را بر اعضا تحمیل نموده است که تعهد دولت‌ها به همکاری در اجرای این تعهدات از جمله آنهاست. نظام مسئولیت نیز قواعد مهمی در ارتباط با کمک و مساعدت به دولت‌های ناقض حقوق بین‌الملل در بردارد که امکان طرح موضوع مسئولیت بین‌المللی را برای آنها مد نظر داشته است.

**واژگان کلیدی:** تجارت تسلیحات، معاهده تجارت تسلیحات، مسئولیت بین‌المللی، گروه‌های شورشی و شبه نظامی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
mohammad.fattahi.alkouhi@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)  
raisi.leila@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
masoudraei@yahoo.com

تشکیل کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه از بافتهای مختلف اجتماعی، سیاسی، قومی و مذهبی و خود این تفاوتها و بروز نارضایتی از حکومتها باعث ایجاد روحیه خودمختاری، جدایی طلبی یا انقلابی شده است و این عامل، تشکیل گروههای مسلح شورشی را در پی داشته است. که هم اکنون ده ها گروه شورشی در سراسر دنیا به ویژه آفریقا و آسیا برای سرنگونی دولت مرکزی یا جدال برای جدایی در حال مبارزه مسلحانه می باشند. که این گروهها به بسیاری از قواعد بین المللی ملتزم شدند. و هر روز بر تاثیر گذاری آنها در عرصه بین المللی افزوده شده است. و خود را بعنوان بازیگران غیر دولتی در میان تابعان حقوق بین الملل معرفی کرده اند. کشورهای ثالث نیز که با وجود قواعد بین المللی چون اصل عدم مداخله و اصل عدم توسل به زور، مناسب ترین راه را برای نیل به مقصود خود حمایت از گروههای شورشی یافتند. که از مهمترین اقدامات حمایتگرانه دولتها از شورشیان علاموه بر شناسایی، می توان به حمایتهای مالی، نظامی و... اشاره کرد. نظام مند نمودن فرآیند تولید، صادرات و استفاده از تسلیحات از ۱۸۶۴ و اعلامیه سن پترزبورگ مورد توجه دولت ها قرار گرفت و تا تصویب و لازم الاجرا شدن معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳ ادامه داشته است. از آنجا که ارتکاب جرائم بین المللی باعث خدشه به صلح و امنیت بین المللی میگردد سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت در این زمینه نقش کلیدی داشته است که بخش مهمی از قواعد مربوط به تجارت اسلحه را قطعنامه های شورای امنیت به خود اختصاص می دهد. قواعد عام حقوق بین الملل و قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه از ابتدای کاربرد تسلیحات گرم در مخاصمات مسلحانه بر نامشروع بودن سلاح های کشتار جمعی در راستای حفظ جان افراد به ویژه غیرنظامیان تاکید نمود و این قبیل تسلیحات را نامتعارف نامیدند ولی آمارها مختلف بیانگر تعداد تلفات بالای سلاح های اصطلاحاً متعارف می باشد که گاهی تا ۶۰۰ هزار نفر در سال نیز بیان میشود این در حالی است که کل تلفات بمب های هسته ای استفاده شده توسط ایالات متحده آمریکا علیه ژاپن ۲۵۰ هزار نفر تخمین زده میشود. همه این مسائل باعث توجه هر چه بیشتر به تسلیحات متعارف شده است. و برقراری یک نظام کنترل بین المللی بر این تسلیحات را ضروری می دارد. طرح کمیسیون حقوق بین الملل در رابطه با مسئولیت بین المللی دولت ۲۰۰۱ بر عدم کمک و حمایت آگاهانه از ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی و عدم شناسایی موقعیت و وضعیتی که به واسطه نقض جدی حقوق بین الملل ایجاد شده و تعهد مبنی بر عدم کمک یا حمایت در حفظ و تداوم این وضعیت غیرقانونی تاکید میکند. همچنین خود معاهده تجارت تسلیحات تعهداتی را در رابطه با نظارت و کنترل صادرات تسلیحات وضع نموده است که هدف نهایی آن علی رغم به رسمیت شناختن تجارت تسلیحات متعارف عدم دسترسی و استفاده از این تسلیحات در جرائم بین المللی می باشد. در این نوشتار در دو بخش به تحلیل مسئولیت بین المللی دولت های در رابطه تجارت تسلیحات متعارف در پیشگیری از جرائم بین المللی از منظر حقوق مسئولیت بین المللی و معاهده تجارت تسلیحات پرداخته میشود.

شناسایی گروههای شورشی و شبه نظامی در پرتو حقوق بین الملل

شناسایی راهکاری است که می تواند آغاز فرایند حمایت از گروههای شبه نظامی از جمله تجارت تسلیحات با آنها باشد. تشخیص موقع و زمانی که دولتها باید به شناسایی اقدام نمایند از اهمیت خاصی برخوردار است. وقتی اجتماعی کوشش می کند تا از دولت اصلی جدا شده و شخصیت بین المللی مستقلی پیدا کند. (مافی و یزدانی، ۱۳۹۴: ۱۵۷) دولتهای دیگر باید ببینند این کوشش به نتیجه مطلوب رسیده یا خیر. قبل از احراز این موضوع اقدام به شناسایی حاکی از بی اعتنائی به دولت اصلی بوده و برخلاف حقوق بین الملل تلقی میگردد. این نوع شناسایی قبل از موقع بوده و عملی است غیر دوستانه که بیشتر در جهت منافع سیاسی صورت گرفته و به عبارت دیگر از اختیار شناسایی سواستفاده شده زیرا هنوز شرایط لازم برای شناسایی را احراز نکرده است. شناسایی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۷۸ از طرف فرانسه و نیز شناسایی جمهوریهای آمریکای لاتین از طرف دولت آمریکا و انگلیس در زمره شناسایی های زودرس قرار میگیرند. با وجود اهمیت این مسئله ملاک و معیار متقن و روشنی برای زمان شناسایی معلوم نشده. به عقیده اوپن هایم زمانی که دولت اصلی شکست خورده و یا از تلاش در سرکوبی شورشیان عاجز مانده و یا لاقبل به نظر می رسد که تلاش منتج به نتیجه نمی گردد می توان اقدام به شناسایی کرد. معیار اوپن هایم برای شناسایی یک معیار کاملاً وسیع و قابل تفسیر است که هر یک از دولتها ممکن است آنرا به نفع خود تعبیر و تفسیر نمایند. بدیهی است موقعی که دولت اصلی خود در شناسایی شورشیان پیشقدم میشود دیگر موردی برای تامل سایر دولتها باقی نمی ماند. (ضیایی، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

### شرایط شناسایی شورشیان

شناسایی شورشیان عبارت است از اینکه دول دیگر برای شورشیان حقوق و مزایایی قائل شوند و یا به آنها برای نیل به هدفهای خود کمک معنوی کنند. این نوع شناسایی غالباً در خلال جنگهای داخلی پیش می آید. یعنی زمانیکه شورشیان هنوز تحت فرمان یک قدرت متشکل قرار نگرفته و سرزمین قابل ملاحظه و امکانات کافی ندارند. دول دیگر بدون اظهار رسمی چنان تظاهر و عمل میکنند که دولت اصلی نباید با شورشیان مانند قانون شکنان و یاغیان غیر سیاسی رفتار کند و یا از دولت قانونی میخواهند که نتایج وضعیت شورشی را قبول و تحمل نماید. شناسایی به عنوان طرف مخاصمه عبارت از اینست که دول دیگر نظر به وضعیت و تشکیلات شورشیان و شرایط آنها و اینکه قادرند حقوق بین الملل و اصول و قواعد حقوق جنگ را رعایت کنند آنان را به عنوان طرف مخاصمه با دولت اصلی می شناسند. بدیهی است در مورد این دسته از انقلابیون رعایت قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه لازم است. دول دیگر با اعلام صریح و ضمنی حالت جنگ بین دو طرف شورشیان را به عنوان طرف مخاصمه می شناسند و این نوع شناسایی از نظر حقوق بین الملل با رعایت شرایط زیر بلا مانع است. (ضیایی، ۱۳۹۱: ۱۵۰) شورشیان بخشی از سرزمین را به کنترل موثر خود درآورند. همچنین شورشیان به صورت سازمان یافته و تحت فرماندهی واحد باشند. و البته شورشیان تعهدات راجع به حقوق بین الملل بشر دوستانه را رعایت کنند. اگر این شرایط جمع نشود شناسایی شورشیان عملی بر خلاف حقوق بین

الملل و در حکم عمل غیر دوستانه با دولت اصلی می باشد. و البته باید به این نکته هم اشاره کرد که اگر شورشیان به عنوان نماینده مشروع مردم و یا حکومت به رسمیت شناخته می شوند باید به واقع نمایندگی بخش عمده‌ای از مردم آن سرزمین را داشته باشند.

شناسایی یک گروه شورشی به عنوان نماینده مشروع مردم اصولاً چند مزیت به دنبال دارد:  
الف: به مبارزه آن گروه در مقابل دولت مرکزی مشروعیت می بخشد.

ب: موجب پذیرش بین المللی وضعیت می شود.

ج: این اجازه را به گروه می دهد تا برای نمایندگان یک سازمان بین المللی سخنرانی کند و در کشورها «دفاتر نمایندگی» تأسیس نمایند.

د: معمولاً موجب کمکهای مالی می شود. نکته قابل توجه اینست که شناسایی شورشیان بعنوان نماینده مشروع مردم اخلاقی در وضعیت حقوقی بین المللی حکومت مرکزی به عنوان حکومت آن کشور وارد نمی سازد.

هرچند یک دولت نمی تواند دو حکومت دژوره به طور همزمان داشته باشد، اما می تواند یک حکومت دژوره و یک حکومت محلی دفاکتو یا گروهی به عنوان نماینده مردم آن کشور را داشته باشد. بنابراین دولتهایی که شورشیان را به عنوان نماینده مشروع مردم مورد شناسایی قرار می دهند. (ضیایی، ۵۶، ۱۳۹۲) می توانند با این حال به شناسایی نقش و وضعیت دیپلماتیک دولت مرکزی ادامه دهند. و لذا سفیران منصوب این کشور را قبول کنند و نمایندگان این کشور را در سازمانهای بین المللی به عنوان نمایندگان آن دولت بپذیرند. بنابراین میان شناسایی شورشیان به عنوان نماینده مردم و شناسایی به عنوان نماینده کشور تفاوت وجود دارد. شناسایی شورشیان به عنوان حکومت دژوره کشور موجب پس گرفتن شناسایی از حکومت مرکزی می شود. کشورهای که شورشیان را به عنوان حکومت آن کشور به رسمیت می شناسند لازم است که سفارت کشور را به شورشیان منتقل نمایند و به وضعیت دیپلماتیک سفیران منصوب دولت سابق پایان دهند مشروط به اینکه شورشیان چنین اقدامی را لازم بشمرد. در بعضی موارد، شناسایی با مشروعیت حکومت پیوند می خورد. در واقع، جایی که مسأله «جدایی» در میان است. چنانچه کشور ثالث قبلاً حکومت مرکزی را شناسایی «دوژوره» کرده باشد، تنها در صورتی می تواند جدایی طلبان را به صورت «دوژوره» شناسایی کند که جدایی طلبان، کنترل مؤثری بر منطقه مورد ادعایشان پیداکنند. به نظر لوترپاخت، احراز یک حاکمیت نسبی بر سرزمین در دست معترضین، شرط شناسایی صحیح آنهاست.

### مشروعیت شناسایی و حمایت از شورشیان

معیار اصلی در حقوق بین الملل برای شناسایی یک گروه شورشی به عنوان حکومت یک کشور، کنترل مؤثر بر سرزمین آن کشور است. تا زمانی که کنترل شورشیان بر خاک کشور محدود باشد و بخش گسترده آن تحت کنترل نیروهای دولتی باشد ممکن است به عنوان حکومت دفاکتوی سرزمین تحت کنترل مورد شناسایی قرار

بگیرند. تا زمانی که نیروهای دولتی پایتخت را تحت کنترل دارند. هرگونه شناسایی شورشیان به عنوان حکومت دژوره کشور، به نظر می رسد که یک شناسایی زودرس است. (ضیایی، ۱۳۹۲، ۶۳) و می تواند مصداق مداخله نامشروع در امور داخلی کشورها محسوب شود. دولتی که شورشیان را شناسایی نکرده باشد، در صورت تقاضای دولت مرکزی امکان کمک نظامی به دولت را دارد. اما شناسایی شورشیان به عنوان طرف مخاصمه موجب شناسایی وضعیت مخاصمه مسلحانه غیربین المللی می شود که به دنبال آن وضعیت بی طرفی برای ثالث ایجاد می کند و لذا کمک نظامی به یکی از دو طرف درگیر موجب نقض بی طرفی شده و موجب مسؤولیت بین المللی است. شناسایی شورشیان به عنوان نماینده مشروع مردم شاید تنها می تواند ارسال کمک های مالی را توجیه پذیر سازد اما شناسایی شورشیان به عنوان حکومت آن کشور می تواند کمک نظامی به طرف شورشی را توجیه نماید، چرا که در این حالت حکومت مرکزی از نظر ثالث به رسمیت شناخته نمی شود و متعاقباً وضعیت مخاصمه مسلحانه بین المللی دیگر استمرار نخواهد داشت. آیا شناسایی شورشیان به عنوان نماینده مشروع مردم در هر صورت کمک به آنها را مشروع می کند؟ باید توجه داشت که شناسایی یک گروه شورشی به عنوان طرف مخاصمه و به طور اولی به عنوان نماینده مشروع مردم نیاز به تحقق شرایطی دارد. شرایط سه گانه پروتکل دوم برای شناسایی شورشیان انقلابی به عنوان طرف مخاصمه و این شروط بعلاوه شرط نمایندگی مردم برای شناسایی آنها به عنوان نماینده مشروع مردم لازم است. عدم فرماندهی ثابت و تشتت در گروه های معارض، عدم کنترل مؤثر بر سرزمین و عدم رعایت حقوق بشردوستانه توسط نیروهای شورشی شناسایی این شورشیان را زودرس و نامشروع می سازد.

### نقض حقوق بین الملل و مسئولیت بین المللی دولت شناسایی کننده

چنانچه اثبات شود که شورشیان در نقض حق تعیین سرنوشت مردم عمل می کنند، شناسایی آنها نه تنها جایز نیست بلکه دولت ها تعهد به عدم شناسایی آن دارند. به نظر می رسد در اقلیت بودن گروه شورشی و اقدامات تروریستی این گروهها این نظریه را اثبات نماید. همچنین شناسایی این گروه به عنوان نماینده مشروع مردم در حالی که این گروه مسلح در اقلیت باشند. (عسگری، ۱۳۸۸، ۵) مداخله در امور داخلی دولت محسوب خواهد شد. علاوه بر مسؤولیت بین المللی به سبب شناسایی نامشروع زودرس، نقض اصل حق تعیین سرنوشت و اصل منع مداخله در امور داخلی دولت ها، شناسایی این گروهها توسط دولت های ثالث از آنجا که جنبه تأسیسی دارد و در تثبیت شخصیت حقوقی آنها مؤثر است می تواند مسؤولیت بین المللی این دولت ها را به سبب اقدامات تروریستی و نقض حقوق بشردوستانه و جنایات جنگی این گروه به دنبال داشته باشد. به نوعی نظریه همکاری و مشارکت که توسط طرح کمیسیون حقوق بین الملل مطرح شده است قابل طرح خواهد بود.

ممنوعیت صدور مجوز صادرات تسلیحات متعارف

بند ۲ ماده ۶ معاهده تجارت تسلیحات بر ممنوعیت صدور مجوز صادرات تسلیحات در مواردی اشاره دارد که این مجوز برخلاف تعهدات دولتها بر اساس معاهدات نقل و انتقال تسلیحات متعارف باشد. از موافقت نامه های بین المللی بسیار مهم، که معاهده به آن اشاره کرده است، می توان به برنامه اقدام ملل متحد برای پیشگیری و مبارزه و ریشه کن کردن تجارت غیر قانونی اسلحه های کوچک و سلاحهای سبک در همه جنبه های آن (۲۰۰۱)، پروتکل جلوگیری از تولید غیر قانونی و قاچاق تسلیحات سبک و کوچک (۲۰۰۵)، کنوانسیون مبارز با جرایم سازمان یافته فراملی، و سند بین المللی به منظور توانمندسازی کشورها برای شناسایی و ردیابی اسلحه های کوچک و سلاحهای سبک غیر قانونی اشاره کرد. (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۷) بنابراین، عمل به تعهد مبارز با تولید و نقل و انتقال بین المللی غیر مجاز تسلیحات متعارف و به ویژه تسلیحات سبک و کوچک بخشی از تعهد دولتها در پیشگیری از جرایم بین المللی و همچنین تعهد به همکاری در مبارزه با جرایم بین المللی قلمداد میشود. (De Hoogh, ۱۹۹۶: ۱۸۳)

### نقش نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در ممنوعیت صادرات تسلیحات متعارف

بر اساس بند ۲ ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات، در صورتی که بعد از ارزیابی احتمال استفاده از تسلیحات برای نقض شدید حقوق بشر وجود داشته باشد، دولت صادرکننده موظف است مانع صادرات تسلیحات شود. اجتماعی مبنی بر اینکه چه مواردی نقض شدید حقوق بشر محسوب می شود وجود ندارد. به نظر می رسد عبارت شدید حاکی از شدت و بزرگی نقض یا زیر سوال بردن نوعی، از حقوق بشر باشد ظاهراً هر دو احتمال در این مورد درست ازین رو معمولاً هر نقض حق حیات یا شکنجه ذاتاً شدید محسوب میشود؛ درحالی که انواع خاصی از سایر حقوق بشر باید به طور گسترده و مداومی نقض شوند تا نقض شدید حقوق بشر به حساب آیند. عدم اشاره به حق دفاع فردی هنگام بروز نقض شدید حقوق بشر با توسل به سلاح از دلایل مخالفت جمهوری اسلامی ایران با معاهده تجارت تسلیحات بود که در معاهد گنجانده نشد. هرچند سنگینی یکطرفه به نفع کشورهای صادرکننده در معاهده مشهود است و غالب این کشورها منافع مشترکی را دنبال میکنند، ظرفیت استفاد از این اختیارات وسیع از سوی کشورهای صادرکننده مستقل، به منظور حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، نیز وجود دارد. معاهده تجارت تسلیحات نیز مانند اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، در ماده ۷ نه تنها ارتکاب و نقض شدید، بلکه تسهیل جرایم علیه حقوق بشردوستانه از طریق مشارکت و مباشرت در صدور تسلیحات متعارف را ممنوع اعلام کرده است. در نتیجه، دولتی که بدون کنترل و ارزیابی اجازه صادرات محموله های تسلیحاتی را بدهد که در ارتکاب یا تسهیل جرایم بین المللی مؤثر واقع شده اند حتی بی آنکه قصد سوئی داشته باشند، تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرایم بین المللی را نقض کرده است. (De Hoogh, ۱۹۹۶: ۱۲۵)

ممنوعیت تجارت تسلیحات با گروههای مجرمانه سازمان یافته و تروریستی

هرچند قاچاق تسلیحات خود نوعی از جرایم سازمان یافته فراملی است، دسترسی گروههای مجرمانه به سلاح، احتمال و شدت ارتکاب سایر جرایم سازمان یافته، مانند قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و اعضای بدن و فروش زنان و کودکان و ... را افزایش خواهد داد به همین دلیل، جلوگیری از دستیابی این گروه ها به سلاح به میزانی قابل توجهی از توانایی آنها در ارتکاب جرایم بین المللی می کاهد و خود نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرایم سازمان یافته محسوب می شود. (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۷۴) بدیهی است کشورهایی که با فعل یا ترک فعل خود در انتقال تسلیحات به آنها مؤثر واقع می شوند، علاوه بر نقض تعهد بین المللی خود، حسب مورد، در جرایمی که گروههای تروریستی\_ تکفیری نظیر داعش، بوکوحرام و... مرتکب میشوند معاونت کرد اند و از این جهت مسئولیت بین المللی دولتهای در قالب کنترل کلی و کنترل موثر مذکور قابل طرح خواهد بود. در ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات صدور مجوز صادرات تسلیحاتی که احتمال ارتکاب اعمال تروریستی مصرح در کنوانسیونهای سیزده گانه مقابله با جرایم تروریستی، با استفاد از آنها می رود ممنوع اعلام شده است. پاراگراف ۳ بند ب اعمالی را شامل می شود که با توسل به تسلیحات متعارف تأمین شده از سوی کشور صادرکننده صورت گرفته است( و در معاهدات مرتبط با تروریسم که کشور صادرکننده عضو آن است ممنوع شده است). یکی از اسناد بسیار مهم در این خصوص کنوانسیون بین المللی سرکوب بمب گذاری تروریستی ۱۹۹۷ است. (سیم بر، ۱۳۸۵: ۱۵۲) علاوه بر این، گروگان گیری، آدم ربایی، هواپیما ربایی، دزدی دریایی، جنایت علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی، قاچاق و اشاعه مواد هسته ای و بمب گذاری تروریستی از جرایم مهم است که در کنوانسیونهای ضد تروریسم به آن اشاره شده است. چنانچه بعد از این ارزیابی ها و توجه به اقدامات قابل دسترس کاهش دهنده ریسک صادرات، دولت صادرکننده یقین یافت که خطر برجسته و مهمی بر پایه تبعات منفی پاراگراف اول این ماده وجود دارد، نباید مجوز صادرات را صادر کند. متن پاراگراف اشاره دارد چنانچه خطر برجسته و قابل توجهی بر پایه پیامدهای منفی ذکر شده وجود داشته باشد و اقدامات کاهنده نیز در کاهش این خطر یا تقویت صلح و امنیت مؤثر نباشد، مجوز صادرات نباید صادر گردد. (Maslen et al., ۲۰۱۳: ۲۹)

### تعهدات دولت ها نسبت به مقابله با جرایم تسلیحاتی

مواد ۱۵ و ۱۶ معاهده تجارت تسلیحات به تعهد به همکاری درخصوص مقابله با جرایم تسلیحاتی و متعاقب آن جلوگیری از وقوع سایر جرایم بین المللی اشاره دارد، همکاری مندرج در ماده ۱۵ صرفاً اختیاری نیست بلکه بند ۱ ماده ۱۵ دولت های عضو را ملزم به همکاری نموده است. در ماده ۱۶ نیز به لزوم تشکیل صندوق داوطلبانه و تشویق دولتها به تأمین مالی آن و ارائه مساعدتهای لازم در جهت اجرای معاهده، از جمله کمک های فنی و لجستیکی، اشار کرده است. رعایت این الزام در واقع برای کشورهای در حال توسعه که مقصد اصلی تجارت تسلیحات محسوب میشوند با امکانات محدود مالی و فنی آسان به نظر می رسد. ولی کشورهای صادرکننده که عمدتاً کشورهای توسعه یافته هستند میتوانند مساعدت ها لازم را به این کشورها داشته باشند.

علاو بر تعیین حدود تعهد دولت ها در پیشگیری از قاچاق و انحراف تسلیحات، تعهد به همکاری در این خصوص را نیز با در نظر گرفتن ضوابطی بیش از پیشینیان خود، یعنی سند ردیابی و پروتکل سلاح های کوچک و سبک ۲۰۰۱، شفاف تر کرده است. این تبیین هم به شکل خاص و طی تکالیف الزام آور یا تشویق هایی نظیر تبادل اطلاعاتی و مساعدت های بین المللی مد نظر بوده و هم به شکل کلی در ماده ۱۵ بدان تأکید شد است. (Rogers, ۲۰۱۳: ۱۲۳) علاوه بر آن، معاهده تجارت تسلیحات در دیباچه خود صراحتاً به مسئولیت بین المللی همه دولتها مطابق تعهدات بین المللی شان مبنی بر وضع مقررات مؤثر تجارت بین المللی تسلیحات متعارف و پیشگیری از انحراف آن و همچنین مسئولیت ابتدایی همه دولتها در استقرار و ایراد نظام کنترل ملی اشاره کرد است. بنابراین، چه دولت های عضو و چه دولتهای غیر عضو نخست موظف به مقررات گذاری در زمینه تجارت تسلیحات متعارف و پیشگیری از انحراف آن هستند، دوم اینکه در هر صورت مسئولیت ابتدایی استفاد از تسلیحات صادر شده در ارتکاب جرایم بین المللی بر عهد دولت صادرکننده و در مرحله بعد سایر مسببان است.

### مسئولیت بین المللی دولت های صادر کننده تسلیحات در پرتو نظام مسئولیت بین المللی

مطابق ماده ۲۷ طرح کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۷۸ « اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه که بین المللی بوده است که دولت اخیر انجام داده، این کمک و مساعدت به خودی خود، از نظر بین المللی نادرست است ولو اینکه فی نفسه ناقض یک تعهد بین المللی نباشد» بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین الملل از این ماده، اقدام دولت ثالث نباید از محدوده کمک یا یاری فراتر برود زیرا اگر اقدام یک دولت از این محدوده فراتر برود دیگر صرف کمک یا مساعدت مطرح نخواهد بود بلکه همراهی با یک عمل متخلفانه بین المللی تلقی میگردد که می تواند همکاری واقعی برای ارتکاب عملی که از نظر بین المللی نامشروع است باشد. بخش پایانی ماده این ماده بر این موضوع تأکید میکند که عملی که منجر به کمک و مساعدت میشود میتواند خور از نظر بین المللی مشروع باشد یا نباشد. (توکلی طبسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲) در طرح نهایی کمیسیون حقوق بین الملل، یعنی طرح مصوب سال ۲۰۰۱، موضوع مسئولیت دولت ثالث به دلیل کمک و مساعدت یا به نحوی نقش داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی از سوی دولت یا نهادهای غیر دولتی، در مواد ۱۶ و ۴۱ اشاره شده است.

مطابق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت ها مصوب ۲۰۰۱ که مهم ترین ماده در این خصوص است، «دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین المللی دارد:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین المللی به این کار اقدام کند؛

ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می یافت، فعل متخلفانه بین المللی محسوب می شد.»



ماده ۱۶ وضعیتی را بیان میکند که در آن، دولتی به منظور تسهیل ارتکاب فعل متخلفانه بین المللی توسط دولت دیگر به او کمک یا مساعدت میکند. چنین وضعیت هایی هنگامی رخ می دهد که یک دولت به صورت ارادی در انجام رفتاری که ناقض تعهدات بین المللی دولت دیگر است او را کمک یا مساعدت میکند. برای مثال، آگاهانه تسلیحات و اقلام نظامی لازم را در اختیار او قرار داده یا فعالیت مورد بحث را تأمین مالی کند. به موجب ماده مزبور، کمک یا مساعدت دولت کمک کننده نباید با مسئولیت دولت مباشر خلط شود. در چنین حالتی دولت کمک کننده، تنها تا حدی که رفتار او موجب عمل متخلفانه بین المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول است. (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۱۱۴) برای اینکه دولتی را بتوان به جهت کمک یا مساعدتش در ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی مسئول دانست، احراز سه عنصر لازم است. نخست اینکه دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده از اوضاع و احوال آن تخلف بین المللی آگاهی داشته باشد؛ دوم اینکه کمک یا مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب آن تخلف بین المللی باشد و واقعاً هم ارتکاب عمل مربوط را تسهیل کند و سوم اینکه اگر دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده خودش هم عمل را انجام می داد عمل متخلفانه آن به حساب می آمد. شرط آگاهی دولت کمک کننده یا مساعدت دهنده از شرایطی است که عمل متخلفانه بین المللی دولت را به دنبال دارد و موجب میشود تا هر کمک یا مساعدتی را نتوان موجب بار کردن مسئولیت قلمداد کرد. در مجموع میتوان گفت که پیش نویس، در زمینه مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، مبین هیچ محدودیتی در مورد محتوا و نوع مساعدت نیست. دیوان طی رسیدگی به قضیه «اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی اعلام داشت که همکاری در ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی همواره مستلزم آن است که برخی اقدامات مثبت برای ارائه کمک یا مساعدت به مرتکب نسل زدایی صورت گرفته باشد ... همکاری از فعل ناشی میشود» ( ICJ Report, ۱۸۰-۱۷۹: ۲۰۰۷ماده دیگری که در بحث مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت می توان به آن استناد نمود، بند ۲ ماده ۴۱ طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولتهاست؛ البته این ماده مربوط به وضعیتی است که نقض جدی یک قاعده آمره اتفاق افتاده و دولت های ثالث می بایست از شناسایی این وضعیت یا هرگونه کمک و مساعدت به حفظ آن وضعیت خودداری نمایند. طبق بند ۲ ماده ۴۱، هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ (نقض قواعد آمره) ایجاد شده است قانونی محسوب کند و نباید هیچ گونه کمک یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت ارائه دهد.

نخستین تعهد مندرج در بند ۲ ماده ۴۱، به قدری مهم تلقی میشود که از آن به عنوان یک سلاح قانونی مهم در مقابله با نقض های جدی قواعد آمره و قواعد اساسی حقوق بین الملل یاد می شود. نمونه ای از این نوع تعهدات، تعهد مربوط به عدم شناسایی اکتساب سرزمین از طریق توسل به زور یا کسب حاکمیت از طریق نقض حق تعیین سرنوشت یک ملت است. (Tomuschat, ۱۹۹۸: ۲۵۳) تعهد دوم موجود در بند ۲ ماده ۴۱ دولت ها را از ارائه کمک یا مساعدت در جهت حفظ وضعیت ایجادشده به وسیله نقض ها باز می دارد. این مسئله فراتر از مسئله کمک یا مساعدت به ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی مذکور در ماده ۱۶ است. بنابراین این ماده از خود ارتکاب نقض فراتر رفته و به حفظ وضعیت ناشی از آن نقض می پردازد، چه خود نقض ادامه دار باشد و چه اینگونه نباشد. بنابراین ماده ۴۲ به رفتاری نظر دارد که به دولت مسئول در حفظ وضعیتی کمک

شود که آن نقض «یک قاعده آمره یا عام الشمول» بوده لذا مشروعیت آن به دلیل، وضعیت مغایرت با حقوق بین الملل پذیرفته نیست و این مسئولیت از سوی همگان قابل استناد است.

### مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال مشارکت در تجارت تسلیحات متعارف :

مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال مشارکت در تجارت غیرقانونی تسلیحات متعارف، یکی از موضوعات بسیار مهم در دهه های اخیر به ویژه با گسترش عملکرد گروه های شبه نظامی، تروریستی و باندهای سازمان یافته مجرمانه محسوب می گردد. همان گونه که گفته شد اثبات مسئولیت بین المللی غیرمستقیم دولت ها در زمینه ارسال تسلیحات متعارف به این گروه های تروریستی به عنوان وجهی از مشارکت در کاربرد غیرقانونی تسلیحات متعارف مورد پذیرش بین المللی به ویژه بر مبنای طرح مسئولیت بین المللی دولت های کمیسیون حقوق بین الملل ملل متحد قرار گرفته است.

### مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال کاربرد غیرقانونی تسلیحات متعارف توسط گروه های تحت کنترل

#### آنها

مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال کاربرد غیرقانونی تسلیحات متعارف توسط گروه های تحت کنترل آنها در واقع بخشی از یک قاعده کلی تر تحت عنوان مسئولیت ناشی از کمک، مساعدت یا معاونت در نقض حقوق بین الملل است که در مطالب بالا به آن اشاره شد. (توکلی طبسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱) مسئولیت بین المللی دولت ها از این لحاظ از دو اصل اساسی در حقوق بین الملل مندرج در منشور یعنی اصل احترام به حقوق برابر و تعیین سرنوشت ملت ها و اصل عدم مداخله در امور داخلی مندرج در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد نشأت می گیرد. در رای نیکاراگوئه معروف به فعالیت های شبه نظامیان کنترا، دیوان به این رهیافت رسید که اجماع و توافق کلی در حقوق بین الملل وجود دارد مبنی بر اینکه حمله مسلحانه صرفا شامل اعمال نیروهای مسلح منظم در کنار مرزهای بین المللی نیست بلکه گسیل دسته های مسلح، گروه های غیرمنظم یا مزدوران (نیروهای تحت فرمان) از طرف کشور یا به نمایندگی از آنها برای انجام عملیات مسلحانه در کشوری دیگر را که دارای چنان شدتی باشد که منجر به حمله مسلحانه نظیر آنچه توسط نیروهای مسلح منظم انجام می شود را نیز شامل می شود. مسئله انتساب اعمال گروه های تروریستی در عصر حاضر به دول حامی آنها با توجه به رشد عملکرد بین المللی تروریسم و ظهور مستمر گروههای شبه نظامی و حتی شرکت های خصوصی نظامی، ضرورت دفاع مشروع در برابر دول حامی آنها به یک بحث پیچیده و چالش برانگیز بدل شده است. (رئیس و شهریار، ۱۳۹۲: ۹۰) بدیهی است که برای آنکه دولت متضرر از اینگونه حملات، بتواند در مقابل این حملات به دفاع مشروع و اقدامات پدافندی متوسل شود نخست باید با استدلالات حقوقی اثبات کند که این حملات منتسب به آن دولت است. از سوی دیگر، فعالیت های تروریسم بین المللی به ندرت توسط ارکان یک دولت انجام گرفته و عمدتا توسط اشخاص یا گروه های خصوصی (شبه نظامی) خارج از ساختار رسمی نظامی یک کشور انجام می پذیرد. انتساب اعمال و جنایات تروریستی به دول حامی تروریسم بین المللی سه معیار در حقوق بین الملل مورد نظر قرار می گیرد: ۱- ملاک کنترل موثر ۲- ملاک کنترل کلی ۳- ملاک کنترل مندرج در ماده ۸ طرح مسئولیت بین المللی دولتها کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد. البته، از این

بین، بحث کنترل موثر دارای سابقه طولانی تری نسبت به موارد دیگر است چرا که یکی از ارکان لازم برای تشکیل هر دولت در حقوق بین الملل، کنترل موثر قلمرو توسط آن دولت است

### بررسی معیار کنترل موثر در تجارت تسلیحات متعارف:

یکی از معیارهای موجود در حقوق بین الملل برای انتساب اعمال گروه های شبه نظامی و تروریستی به دول حامی آنها، ملاک کنترل موثر بر روی یک حمله خاص است. ملاک کنترل موثر نخستین بار توسط دیوان بین الملل دادگستری در رای صادره در قضیه نیکاراگوئه در باب انتساب جنایات ارتكابی گروه شورشی کنترا به آمریکا علیه حکومت انقلابی سانديسيستها در نیکاراگوئه، مورد پذیرش قرار گرفت. بر اساس رای صادره مزبور، دیوان بین الملل دادگستری در این قضیه، معیار کنترل موثر را واجد سه شرط ذکر نموده است: ۱- گروه غیردولتی (از جمله تروریستی) بایستی کاملاً وابسته به دولت خارجی باشد. ۲- این وابستگی بایستی در تمامی زمینه های فعالیت آن گروه خاص قابل اعمال باشد. ۳- دولت خارجی می بایستی به صورت عینی از قابلیت کنترل که به صورت بالذات در آن وابستگی کامل وجود دارد استفاده کرده باشد؛ بدین معنا که عیناً به اعمال میزان بالایی از کنترل به صورت مشخص در هر عملیات جداگانه پرداخته باشد. بنابراین منظور از معیار کنترل موثر، تاسیس و سازماندهی گروههای تروریستی و شبه نظامی با اهداف مشترک و به همراه وجود روابط گسترده، مرتبط با هم و پیچیده سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، لجستیک از جمله آموزش نظامی و به ویژه فروش و تامین تسلیحات برای تروریستها و گروههای شبه نظامی به صورتی که با قطع این روابط مخصوصاً معامله اسلحه با آنها، ارتکاب اعمال تروریستی نیز کاهش یا متوقف می گردد؛ می باشد. این گروهها از منابع درآمدی متنوعی از جمله قاچاق انسان، میراث فرهنگی، مواد مخدر، و حتی نفت و فلزات گرانبها چون طلا و الماس برخوردارند. (مافی و یزدانی، ۱۳۹۴: ۱۶۳) دیوان از پارگراف ۳۷۷ تا ۴۱۵ رای سال ۲۰۰۷ در خصوص قضیه نسل کشی صرب ها علیه مسلمانان بوسنی و در توضیح عوامل مختلف برای انتساب عمل شبه نظامیان صرب به دولت صربستان این دولت را از جهت ارتکاب عمل نسل کشی تبرئه کرد. (راعی، ۱۳۸۶: ۱۵۲) در معیار کنترل موثر، وابستگی کامل به معنای عدم هر گونه خودگردانی واقعی و تنها یک ابراز و نماینده سیاستهای یک دولت خارجی بودن در عمل می باشد؛ بنابراین این که قسمت عمده از جمعیت یک سازمان تروریستی تابعیت یک کشور را داشته باشند یا وجود همکاری عمومی و سطح پایین یک دولت با یک گروه تروریستی به تنهایی، نمی تواند موجب انتساب وابستگی موثر آن اعمال به دولت مذکور تلقی گردد. هم چنین، صدور بیانیه های رسمی تهنیت آمیز یا تایید کننده از سوی یک دولت خارجی به دنبال یک عمل تخلف آمیز برای انتساب مسئولیت به دولت مزبور در معیار کنترل موثر کافی نمی باشد. در معیار کنترل موثر، ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی در زمان وابستگی کامل گروه تروریستی به دولت خارجی از اهمیت بنیادین برخوردار می باشد؛ از جمله دیوان بین الملل دادگستری در قضیه نیکاراگوئه با مقایسه میان فعالیتهای کنترا در سالهای اولیه با آخر در بحران نیکاراگوئه دریافت که با وجود وابستگی کامل آن گروه به دولت آمریکا در ابتداء، اما در سالهای بعد علی رغم متوقف شدن کمک ایالات متحده به آن گروه، ارتکاب اعمال متخلفانه استمرار داشته است و از

این رو آن کشور تنها به برنامه ریزی، هدایت و کمک به گروههای مذکور، واجد مسئولیت بین المللی گشت. (ممتاز؛ رنجبریان، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸)

### بررسی معیار کنترل کلی در تجارت تسلیحات متعارف:

به دنبال مشکلات عملی در اثبات ارتباط دقیق و موثر میان گروههای شبه نظامی و ترویستی با دول حامی بیگانه آنها به ویژه تامین کنندگان تسلیحات آنها، معیار کنترل کلی که بیانگر ارتباط نسبی، حداقلی و انعطاف پذیر این گروهها با دول بیگانه به نسبت معیار کنترل موثر می باشد؛ برای نخستین بار در قضیه تادیچ در دیوان بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در ۱۵ جولای ۱۹۹۹ به دلیل ضرورت ماهیت داخلی یا بین المللی مخاصمات مسلحانه و تاثیر آن بر وضعیت اجرای قواعد بین الملل بشردوستانه مورد استناد قرار گرفت.. در قضیه تادیچ، ارتش خودمختار صربهای بوسنی و هرزگوین با اشغال بوسنی و هرزگوین، جمهوری خود خوانده اسپراسکا را تشکیل داد که از سوی یوگسلاوی سابق مورد حمایت قرار می گرفت. این گروه دستورات خود را از ارتش یوگسلاوی سابق دریافت می نمود. هم چنین، اعضای آن همگی اعضای سابق ارتش یوگسلاوی بوده؛ با این تفاوت که هیچ عضو غیر صرب در این گروه وجود نداشت و تمامی افراد صربهای بوسنی تبار بودند. تامین تجهیزات شامل تسلیحات سنگین و وسایل آنها و آموزش افراد عضو این گروهها توسط ارتش یوگسلاوی سابق، آنها را تا حدود معقولی وابسته به یوگسلاوی سابق نموده بود (عسگری، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

در واقع، قصد شعبه از اعمال این معیار نه احراز مسئولیت بین المللی دولت ها، بلکه حمایت بیشتر از غیرمتحاربین در مخاصمات مسلحانه بود. بر طبق این رای، معیار مزبور بیانگر آن نبود که هر عملیات غیرقانونی یک گروه غیردولتی ضرورت داشته باشد تا به دولت حامی آن قابل انتساب باشد بلکه «مشارکت در برنامه ریزی و نظارت بر عملیات مداوم نظامی» برای اثبات کنترل دول حامی یک گروه غیردولتی کافی می باشد. هم چنین در این معیار، نیاز به اثبات دستورات در هر عملیات جداگانه نبوده بلکه معیار کنترل کلی با اثبات دستورات در کل عملیات، احراز می گردد. در قضیه آکسوسکی، شعبه استیناف دیوان راجع به معنا و محدوده معیار کنترل کلی گفت: «معیار کنترل کلی حتی در صورتی که نیروهای مسلحی که به نیابت از دولت کنترل کننده انجام وظیفه می نمایند از اختیارات خود مختارانه در ابزار و فنون نظامی برخوردار باشند اعمال می گردد اگرچه مشارکت در یک راهبرد مشترک با دولت کنترل کننده باید وجود داشته باشد.» بنابراین، نتیجه گرفته می شود از نظر دیوان وجود یک راهبرد مشترک به علاوه مشارکت معقول در برنامه ریزی و نظارت بر مجموع عملیات نظامی و نه یک عملیات جداگانه برای اعمال معیار کنترل کلی برای اثبات مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال اعمال گروه های غیردولتی (از جمله تروریستی) کافی می باشد.

پس از صدور این رای، دیوان بین الملل دادگستری در قضیه بوسنی و هرزگوین در مقابل صربستان و مونته گرو در سال ۲۰۰۷ فرصت یافت تا بر ملاک کنترل موثر موجود در قضیه نیکاراگوئه تاکید ورزد. دیوان در سه بخش از رای نهایی خود به این موضوع اشاره نمود: ۱- ابتدا دیوان استدلال خواهان (بوسنی و هرزگوین) مبنی بر اینکه به دلیل ویژگی های خاص جنایت نسل کشی تنها ضرورت به اثبات این امر که مجموعه عملیات صورت گرفته تحت کنترل مستقیم مرتکبین نسل کشی صورت گرفته شود، کفایت می نماید را رد کرده و در

مقابل بر ضرورت اعمال معیار کنترل موثر تاکید نمود. دومین بخش در آن جاست که دیوان ضمن بی فایده خواندن کنترل کلی بیان داشت که: «ماموریت دیوان کیفری بین الملل برای یوگسلاوی سابق تصمیم گیری در مورد مسایل مربوط به مسئولیت کیفری بین المللی و نه مسئولیت دولتها می باشد و مسئولیت مورد نظر در این قضیه با مسئولیت ارتباط پیدا نمی کند؛ بلکه قواعد قابل اعمال حقوق بین الملل بشردوستانه را تشکیل می دهند.» سومین بخش، در جایی است که دیوان قیاس بین معیار کنترل کلی و موثر را یک قیاس مع الفارق دانسته است و بیان می نماید: «معیار کنترل کلی، مانع بزرگ توسعه قلمرو مسئولیت بین المللی است که آشکارا فراتر از اصل بنیادین حاکم بر قاعده مسئولیت بیت المللی است. یک دولت تنها برای اعمال خویش یعنی اعمال اشخاصی که از طرف وی عمل می نمایند، مسئول می باشد» در این قضیه، دیوان اظهار نمود که باید بین دو وضعیت مجزا یعنی «وابستگی کامل» که بر اساس نیروهای مسلح صرب می توانند به عنوان یک رکن غیر رسمی جمهوری فدرال یوگسلاوی سابق شناخته شوند و کنترل یا نظارت دولت یوگسلاوی بر این نیروها تفاوت قایل شد از نظر دیوان آنچه که باید مهم باشد، وابستگی کامل برای اثبات معیار کنترل موثر است. با این حال، دیوان در قضیه به تحولات حقوق بین الملل از جمله طرح مسئولیت بین المللی دولت ها کمیسیون حقوق بین الملل نیز اشاره می نماید از جمله از نظر دیوان در اثبات انتساب اعمال گروه های غیردولتی به دولت ها می توان حتی از ملاک مندرج در ماده ۴ که در مورد واحدهای دولتی است - در وضعیت های بسیار خاص استفاده کرد بدین صورت که در وضعیتی که اشخاص یا گروه های غیردولتی از وضعیت حقوقی ارگان های دولتی برخوردار نبوده اما تحت صلاحیت مطلق آن دولت عمل می کنند به گونه ای که به عنوان یک واحد غیر رسمی از آن دولت در آیند، می توان ماده ۴ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها را برای اثبات انتساب اعمال گروه های غیردولتی به دول حامی آنها استفاده کرد. در کنار این امر، دیوان بدون پذیرش معیار ((دستورات خاص)) در ماده ۸ طرح مسئولیت بین المللی، آن را یکی از اصول حقوق بین الملل عرفی می داند. مجموعه این تحولات نشانگر آن است که دیوان بین المللی دادگستری نیز در اعمال معیار کنترل موثر طرز تلقی خود را به سمت معیار کنترل مندرج در طرح مسئولیت بین المللی دولتها معطوف داشته است (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۶۷).

#### معیار کنترل مندرج در ماده ۸ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها

در طرح مسئولیت بین المللی دولت ها کمیسیون حقوق بین الملل ملل متحد، کمیسیون برای نخستین بار با تفکیک مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال کنترل بر اعمال واحدهای دولتی با اشخاص خصوصی، هر یک را به ترتیب در دو ماده جداگانه ۴ و ۸ گنجانده است به نحوی که در ماده ۴ معیار کنترل دولت بر واحدهای دولتی را معیار کنترل کامل دانسته بدین معنا که بر مبنای اصل وحدت دولت، فعل یا ترک فعل تمامی ارگان های دولتی در احراز مسئولیت بین المللی، فعل یا ترک فعل آن دولت تلقی می گردد و در این زمینه نمی توان قایل به استثناء بود؛ در حالی که ماده ۸ معیاری خاص و جدید نسبت به معیارهای کنترل کلی و موثر - که پیش از این گفته شد - را مقرر می دارد. (Crawford, ۲۰۰۲, p. ۱۰۵) ماده ۸ مقرر می دارد: «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین الملل فعل دولت تلقی می شود در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند.» بر طبق این ماده، برای انتساب اعمال گروه های غیردولتی از جمله تروریستی به دول حامی آنها، اثبات یکی از سه وصف «دستورات»،

«هدایت» و «کنترل» به صورت جداگانه برای احراز مسئولیت آنها کفایت می‌کند. (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۶۷) در نتیجه معیار موجود در این ماده حتی از معیار کنترل کلی که در رای دیوان بین الملل کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ نیز پذیرفته است، پا را فراتر گذاشته و بدین سبب نیز انتساب اعمال افراد را آسان تر می‌نماید. با این حال، در تفسیر این ماده کمیسیون خاطر نشان ساخته است که هر وضعیتی را باید جداگانه مورد ارزیابی قرار داد و نمی‌توان یک حکم کلی راجع به تمامی قضایا صادر نمود.

### نتیجه گیری

تجارت بین المللی تسلیحات، یکی از موضوعات مبتلابه جامعه بین المللی پس از پایان جنگ سرد تلقی میگردد که با گسترش مخاصمات داخلی، وقوع جرائم بین المللی در عرصه روابط بین الملل و عملکرد بین المللی تروریسم رابطه مستقیم دارد. با توجه به تبعات قاچاق تسلیحات متعارف، این تجارت در جهان به یکی از مهم ترین مسایل اقتصادی، سیاسی و البته امنیتی تبدیل شده است. در دهه های اخیر با رشد افراطی گری و ظهور گروههای شبه نظامی و تروریستی ابعاد این موضوع مهم در سطح جهانی به حد نگران کننده ای رسیده به طوری که سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا با برگزاری کنفرانس های متعدد توجه کشورهای جهان را به این موضوع جلب نماید و در نهایت نیز سازمان ملل متحد چهار سند بین المللی (پروتکل سوم، سند برنامه اقدام، سند توانمند سازی دولتها و معاهده تجارت تسلیحات) برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق تسلیحات تنظیم و تدوین نموده است. در رابطه با شناسایی شورشیان موضوع از پیچیدگی بیشتری هم برخوردار است چرا که هنوز قواعد مشخص و دقیقی مرتبط با آن تبیین نشده و این موضوع همواره باعث سواستفاده شورشیان و کشورهای دیگر بوده است که با چنگ زدن به اصولی مانند اصل حق تعیین سرنوشت رویای سرنگونی دولتهای مرکزی و جدایی طلبی را در سر پرورانده اند. بنابراین باید منتظر بود تا با توجه به رویدادهای اخیر در آفریقا و خاورمیانه به ویژه سوریه سرانجام ضابطه ای تمام حقوقی برای شناسایی شورشیان مد نظر قرار خواهد گرفت یا همچنان میان دیدگاه سیاسی و حقوقی سرگردان خواهد ماند. معاهده تجارت تسلیحات گامی مهم و رو به جلو در امر کنترل واردات، صادرات و نقل و انتقالات تسلیحات متعارف در جهان بشمار می رود. با توجه به درج ملاحظات حقوق بشری، حقوق بشردوستانه بین المللی، صلح و امنیت بین المللی، تحریم های بین المللی و برخی جرائم بین المللی مانند ژنوساید، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی به عنوان مبنای صدور مجوز صادرات تسلیحات به سایر کشورها قرار گرفته است. حقوق مسئولیت بین المللی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین الملل کیفری، محدودیتهای مشابهی را بر تجارت تسلیحات اعمال میکنند و در نتیجه از

این منظر، مقررات معاهده تجارت تسلیحات به هیچ رو بدعت حقوقی جدیدی محسوب نمی شوند. در سطح سازمان ملل متحد نیز در حال حاضر سه سیستم نظارتی بر تجارت تسلیحات متعارف وجود دارد که عبارت اند از نظام ملل متحد برای ارائه گزارش استاندارد شده از هزینه های نظامی، طرح ثبت سلاحهای متعارف سازمان ملل متحد و برنامه اقدام سازمان ملل متحد در مورد تجارت غیر قانونی در تسلیحات کوچک و سلاحهای سبک در سال ۲۰۰۱، اما به طور کلی تا رسیدن به وضعیتی که موضوع تجارت تسلیحات از چنان نظام مندی و شفافیتی برخوردار باشد که از رسیدن تسلیحات به اهداف نامشروع از جمله گروه های تروریستی ممانعت شود راه درازی در پیش است زیرا منافع سرشار مالی حاصل از این تجارت پرسود در شاخص های اقتصادی کشورهای تولید کننده و صادرکننده تسلیحات مانند نرخ اشتغال و بیکاری از اهمیت دوچندان برخوردار است. تا جایی که کارتل های بزرگ تسلیحات در سیاست های داخلی و خارجی این کشورها از نقش آفرینی موثری برخوردارند.

منابع:

منابع فارسی:

- ۱- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۳) مسئولیت بین المللی دولت، شهر دانش
- ۲- تدینی، عباس، کازرونی، سید مصطفی، (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی نظام حقوقی بینالمللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴
- ۳- توکلی طیبسی، علی؛ منصور، فرنگیس؛ رضایی، محمد تقی و حبیب زاده، (۱۳۹۲) توکل؛ مسئولیت بین المللی دولت های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹، پاییز-زمستان ۱۳۹۲.
- ۴- حکیمی ها، سعید، (۱۳۹۵) تعهد دولتها به «ارزیابی حدود در» پیشگیری و همکاری مبارزه با جرایم بین المللی با تأکید بر معاهده تجارت تسلیحات، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵: ۱۰۰۳-۱۰۲۶.
- ۵- حکمت نیا، محمود (۱۳۹۲)، سلاحهای کشتار جمعی و مبنای فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۲، صص ۵۳-۸۷.
- ۶- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۲)، تولید و استفاده از سلاح کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۲.
- ۷- فن تیگر اشتروم، باربارا (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین الملل، ترجمه ی اردشیر امیراجمند و حمید قنبری، تهران: انتشارات مجد.
- ۸- ساعد، نادر (۱۳۸۳)، فرآیند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین الملل منشور؛ از نظر تا عمل، حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۵ صص ۵۹-۸۶.

۹- سلیمی، صادق (۱۳۸۲) «جنایات سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن» نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۹.

۱۰- راعی، مسعود، (۱۳۸۸)، کنترل کلی یا کنترل مؤثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین المللی دولت ها؟ حقوق، حقوق، دوره ۳۹ شماره ۳.

۱۱- رئیسی، لیلیا، شهریار، عبدالنعمیم (۱۳۹۲)، شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی و حقوق بشردوستانه: جایگاه و مسئولیت، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره شانزدهم - پاییز ۱۳۹۲ صص ۸۳-۱۱۶

۱۲- عسگری، پوریا، (۱۳۸۸)، مسئولیت بین المللی افراد و دولت ها در پرتو ضابطه کنترل، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری..

۱۳- لسانی، سید حسام الدین، (۱۳۹۵) تعهد دولتها مبنی بر بازبینی حقوقی تسلیحات جدید در حقوق بین الملل فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵: ۱۱۳-۹۱.

۱۴- ممتاز، جمشید، و رنجبریان، امیر حسین، (۱۳۸۴)، حقوق بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه داخلی، نشر میزان.

۱۵- ضیایی، سید یاسر، ۱۳۹۲، جدایی طلبی در حقوق بین الملل، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.

۱۶- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۸، حقوق بین الملل عمومی، نشر میزان، چ ۳۱، گنج دانش. ۷.

منابع انگلیسی:

۱- Crawford , James (۲۰۰۳) , " Human Right and State Responsibility" , University of Connecticut

۲- C. Tomuschat, "International Crimes by States: An Endangered Species", in K. Wellens (ed), International Law, Theory and Practice, ۱۹۹۸.

۳- De Hoogh, André (۱۹۹۶). Obligations Erga Omnes and International Crimes: A Theoretical Inquiry into the Implementation and Enforcement of the International Responsibility of States, Martinus Nijhoff Publishers.

۴- Hiscocks, Richard, " The Security Council: A Study in Adolescence", Simon and Schuster, ۱۹۷۴.



- ۵- Pierre, Andrew J., " Cascade of Arms: Managing Conventional Weapons Proliferation", Brookings Institution Press, ۱۹۹۷, p۳۲۸.
- ۶- Post, H. H. G., " International Economic Law and Armed Conflict", Martinus Nijhoff Publishers, ۱۹۹۴, p۷۱.
- ۷- Rogers, Damien (۲۰۱۳). Post internationalism and Small Arms Control: Theory, Politics, Security, Ashgate Publishing, Ltd.
- ۸- Maslen, Stuart et al. (۲۰۱۳). The Arms Trade Treaty, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
- ۹- Schmitt MN (۲۰۱۰) Military necessity and humanity in international humanitarian law: preserving the delicate balance. Va J Int Law ۵۰(۴):۷۹۵-۸۳۹.
- ۱۰- Nasu H, Faunce TA (۲۰۱۰) Nanotechnology and the international law of weaponry: towards International regulation of nano-weapons. J Law Inf Sci ۲۰:۲۱-۵۴.
- ۱۱- N. Trapp, Kimberley (۲۰۱۱). State Responsibility for International Terrorism, Oxford.
- ۱۲- Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro, Judgment ۲۰۰۷, Application of the Convention on the Prevention and punishment of the Crime of Genocide, <http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/ibhyframe.htm>
- ۱۳- Cassese , Antonio(۲۰۰۷) ," The Nicaragua and Tadic Test Revisited In Light of The ICJ Judgment on Genocide In Bosnia" , European Journal of International Law , Vol . ۱۸ .No۴,pp ۶۴۹-۶۶۸